

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سوره ی مبارکه ی مریم در مکه نازل شده است.

در سوره ی مریم ۳ اضطرار است، اضطرار حضرت زکریا (پیر شده بود ولی وارثی برای تبلیغ دین خدا نداشت)، حضرت مریم (بعد از بچه دار شدن) اضطرار حضرت ابراهیم در دعوت پدرش.

بشارت و انذار غایت سوره است: لتبشیر به تنذر به که در آیه ی ۹۷ این سوره آمده است

سوره ۳ دسته آدم دارد: انبیا و برگزیدگان که هدایت شدند، دسته ی دوم اهل غیّ که استعداد رشد خود را از دست دادند، دسته ی سوم که اهل توبه و ایمان و عمل صالح اند که در آخر به اهل نعمت می پیوندند. به گونه ای شرح سوره ی مبارکه ی حمد است. رشد با خضوع و خشوع نسبت به پروردگار اتفاق می افتد و غیّ نیز با اعراض و سرکشی از ذکر خداست.

حروف مقطعه ی اول سوره:

اگر حروف مقطعه های ابتدای سوره ها شبیه هم باشند مفاهیمشان به هم نزدیک می شود. و چون این سوره صاد دارد با سوره ی مبارکه ی ص نزدیک است. و نیز یاء دارد با یس ارتباط می یابد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

کهیعص (۱)

روایت است که اول حروف مقطعه ی این سوره را به کربلا، هلاکت حسین، یزید، عطش و صبر نسبت داده اند.

ارثی که زکریا ذکر می کند حضرت زهرا در خطبه ی فدکیه با آن احتجاج می کند که نبی می تواند به فرزندانش ارث دهد.

حضرت یحیی سوره به امام حسین از نظر شهادت نزدیک است.

حضرت زکریا وقتی برای فرزند دار شدن دعا می کند خدا به او نام ۵ تن را یاد داده که بیان کند و وقتی به نام امام حسین رسیده دلش فرو میرزد.....

حضرت زکریا وقتی به دیدن حضرت مریم می آمد اگر تابستان بود میوه های بهشتی زمستانی در نزد حضرت مریم بود که این موجب شد که دعا کند که خدایی که اینگونه بر اسباب مسلط است برایش بچه دار شدن من سخت نیست.

يَا زَكَرِيَّا إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَامٍ اسْمُهُ يَحْيَى لَمْ نَجْعَلْ لَهُ مِنْ قَبْلُ سَمِيًّا (۷)

غلام: سنی که فرد به بلوغ رسیده. پسری که ریش در می آورد. طفل نیست، بلکه غلام است.

قَالَ رَبِّ اجْعَلْ لِي آيَةً قَالَ آيَتُكَ أَلَّا تُكَلِّمَ النَّاسَ ثَلَاثَ لَيَالٍ سَوِيًّا (۱۰)

حضرت زکریا می خواست ببیند وحی ای که به او شده است وحی رحمانی است یا وساوس شیطانی است.

يَا يَحْيَى خُذِ الْكِتَابَ بِقُوَّةٍ وَآتَيْنَاهُ الْحُكْمَ صَبِيًّا (۱۲)

اخذ کتاب بقوه: یعنی تحقق دادن معارف کتاب و عمل به دستورات و احکام آن است. حکم: عمل به معارف الهیه و کشف قوانینی که در پرده ی غیب است.

تفاوت علم و حکمت: انسان باید علم را از اهلش بگیرد ولی حکمت را می توان از هر کسی گرفت..... بسا که روایتی از امام علی است که می فرماید الحکمه ضالّه المومن و خذالحکمه و لو من منافق.

حکمت در سوره ی مبارکه ی لقمان بحث شده است.

وَ حَنَانًا مِنْ لَدُنَّا وَ زَكَاةً وَ كَانَ تَقِيًّا (۱۳)

حنان: عاطفه به خرج دادن

تقی صفت مشبه از تقواست: ورع و پرهیز از گناهان

وَ سَلَامٌ عَلَيْهِ يَوْمَ وُلِدَ وَ يَوْمَ يَمُوتُ وَ يَوْمَ يَبْعَثُ حَيًّا (۱۵)

سلام: از امن است یعنی خالی بودن از هر کراهت و ترسی و سلام یعنی هر آنچه که در آن می بیند ملایم طبعش است. و دوست دارد.

روایت از امام رضا نقل است: وحشتناک ترین مواقف برای انسان (۱) روزی است که به دنیا می آید و (۲) روزی که می میرد و (۳) روزی که مبعوث می شود و احکامی می بیند که در دنیا ندیده است.

فَاتَّخَذَتْ مِنْ دُونِهِمْ حِجَابًا فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا (۱۷)

تمثل پیدا کردن روح خدا یعنی چه؟ فرشته می تواند به شکل انسان مجسم شود، همان طوری که شیطان به شکل پیری در آمد و در دارالندوه وارد شد و پیشنهاد کشتن جمعی پیامبر را دارد. و تمثل بعدی این بود که دنیا شبیه زنی شد و به نزد امام علی آمد. وقتی که انسان هنگام مرگ می میرد مال و اولادش به شکل کس و فرد تمثل پیدا می کنند و مانع مرگ او می شوند. بنابراین حقایق می توانند به شکل بشر تمثل پیدا کنند.

➤ سوره ی مریم یعنی اسباب هیچ کاره اند....

➤ هم یحیی و هم عیسی هر دو غلام بوده اند.

فَكُلِّي وَ اشْرَبِي وَ قَرِّي عَيْنًا فَمَا تَرَيْنَنَّ مِنَ الْبَشَرِ أَحَدًا فَقُولِي إِنِّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ صَوْمًا فَلَنْ أُكَلِّمَ الْيَوْمَ إِنْسِيًّا
(۲۶)

قول وقتی که روزه ی سکوت گرفته است: یعنی بروز اینکه من روزه هستم و نه اینکه با زبان گفته باشد.

يَا أُخْتَ هَارُونَ مَا كَانَ أَبُوكَ امْرَأً سَوْءٍ وَ مَا كَانَتْ أُمُّكَ بَغِيًّا (۲۸)

یا اخت هارون ۴ وجه می تواند داشته باشد: (۱) هارون یک مرد صالح در بنی اسرائیل بود که مثال نیکویی و صلاح را با آن می زدند.

(۲) برادر و پدر مریم ممکن است یکی هارون بوده باشد.

(۳) برادر موسی هارون است که ممکن است که به خاطر نسبتی که حضرت مریم با حضرت موسی داشته چنین گفته باشند.

(۴) هارون آدم زناکاری بوده که نشان از یک نسبت از روی طعنه ناروا در بنی اسرائیل باشد.

قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتَانِيَ الْكِتَابَ وَ جَعَلَنِي نَبِيًّا (۳۰)

نبی می تواند دو وجه داشته باشد: (۱) نبی از نبا می آید که از عالم غیب با خبر است

(۲) نبی از نبو می آید که از رفعت و بزرگی است.

می گوئیم که همه مثل هم هستید و فقط یک نفر به اینترنت وصل است و همه باید امتحان بدهند خب وحی هم چنین است که با اینکه پیامبر شبیه همه است ولی به وحی وصل است.

وَ جَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ وَ أَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا (۳۱)

روایت است که بهترین کاری که می شود انسانی انجام دهند نماز خواندن است.

ذَلِكَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ قَوْلَ الْحَقِّ الَّذِي فِيهِ يَمْتَرُونَ (۳۴)

حضرت عیسی قول خدا است. یعنی چیزی که خدا بروز داد.

ذالک عیسی بن مریم: نشان از این است که عیسی پسر خدا نیست بلکه پسر عیسی است.

در گذشته اسم زنان بزرگ را صدا نمی زدند، حضرت مریم را هم بسیار ستایش می کردند و او را مادر پسر خدا می دانستند که در قرآن اسم حضرت مریم گفته می شود که مردم زیاد اغراق نکنند.

مَا كَانَ لِلَّهِ أَنْ يَتَّخِذَ مِنْ وَلَدٍ سُبْحَانَهُ إِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ (۳۵)

خدا بدون اسباب کارها را انجام خواهد داد و نیازی به اسباب ندارد.

فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ مَّشْهَدِ يَوْمٍ عَظِيمٍ (۳۷)

اختلاف راجع به عاقبت و نهایت زنده یا مرده بودن حضرت عیسی است.

أَسْمِعْ بِهِمْ وَأَبْصِرْ يَوْمَ يَأْتُونَنَا لَكِنِ الظَّالِمُونَ الْيَوْمَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ (۳۸)

روز قیامت ناچارا سمع و بصر فعال می شود.

دیدن و شنیدن مقدمه ی عمل صالح است و یقین می آورد. روز قیامت حقایق را می بینند.

راه رسیدن به چشم برزخی این است که همین جا ببینید و درست بشنوید.

کسی که حرف می زند نمی تواند درست ببیند و درست بشنود.

وَ أَنْذِرْهُمْ يَوْمَ الْحَسْرَةِ إِذْ قُضِيَ الْأَمْرُ وَ هُمْ فِي غَفْلَةٍ وَ هُمْ لَا يُؤْمِنُونَ (۳۹)

یوم الحسرت: روایت است که در قیامت مرگ را به شکل یک گوسفندی می آورند و ذبح می کنند یعنی که از این شرایط هیچ خلاصی وجود ندارد. حسرت به خاطر این است که دیدن و شنیدن اثری ندارد.

و هم فی غفله: غفلت یعنی اتفاقی الان در حال افتادن است که از آن غافل هستی. مثل این که همه سرکلاس هستیم و همه می خندیم و ما با اینکه سرکلاس بودیم ولی نفهمیدیم چه شده است یعنی با اینکه اتفاق افتاده ولی غافل بوده است.

➤ تا وقتی دیدن و شنیدن هست می توانیم پیشرفت کنیم.

إِنَّا نَحْنُ نَرِثُ الْأَرْضَ وَ مَنْ عَلَيْهَا وَ إِلَيْنَا يُرْجَعُونَ (۴۰)

در این سوره چون بسیار ولد داشتن و ماندن مهم است در حالی که این آیه می گوید من وارث هستم.

با اینکه یحیی را خدا به حضرت زکریا داد ولی در نهایت هم نبوت از ذریه ی حضرت اسماعیل رواج یافت.

وَ اذْكُرْ فِي الْكِتَابِ اِبْرَاهِيمَ اِنَّهُ كَانَ صَدِيقًا نَبِيًّا (٤١)

صدیق یعنی کسی که بین گفتار و کردارش تناقض نباشد.

حضرت ابراهیم در شرایطی بود که تک و تنها وارد شد و هیچ کسی همراهش نبود. و مطابق با باورش جنگید هر چند سنّ زیادی نداشت.

يَا اَبَتِ اِنِّي قَدْ جِئْتَنِي مِنَ الْعِلْمِ مَا لَمْ يَأْتِكَ فَاتَّبِعْنِي اُهْدِكَ صِرَاطًا سَوِيًّا (٤٣)

علم حقیقی از وحی می آید.

هدایت: یعنی راه نشان دادن که کار رسول است و اگر هدایت به معنای این بشود که به مقصد برساند یعنی کار امامت.

ابراهیم هنوز در این سوره به مقام امامت نرسیده است.

این سوره بسیار کلمه ی رحمن دارد. و مکیّ است.

قَالَ سَلَامٌ عَلَيْكَ سَأَسْتَغْفِرُ لَكَ رَبِّي اِنَّهُ كَانَ بِي حَفِيًّا (٤٧)

سلام کار عبادالرحمن است که چون جاهلان را می بینند در جوابشان سلام گویند.

سلام حضرت ابراهیم مثل خداحافظ است که شما را ترک می کنم و می روم.

وَ وَهَبْنَا لَهُمْ مِنْ رَحْمَتِنَا وَ جَعَلْنَا لِهِمْ لِسَانَ صِدْقٍ عَلِيًّا (٥٠)

لسان ... یعنی ذکر خیرش مانده است.

وَ اذْكُرْ فِي الْكِتَابِ مُوسَى اِنَّهُ كَانَ مَخْلُصًا وَ كَانَ رَسُولًا نَبِيًّا (٥١)

مخلص یعنی که خدا آن را برای خودش خالص کرده

و غیر خدا کسی در عمل های او شریک نیست. مخلص یعنی رحمان را به رحیم تبدیل کرده است.

گر می برندت واصلی

گر می روی بی حاصلی

وَ اذْكُرْ فِي الْكِتَابِ اِسْمَاعِيلَ اِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَ كَانَ رَسُولًا نَبِيًّا (٥٤)

برخی می گویند که اسماعیل همان پیامبر مذکور است و برخی می گویند که اسماعیل صادق الوعد است.

روایت داریم که پیامبر با کسی قرار داشته است که ۳ روز کنار کعبه می ماند تا آن مرد بیاید.

وَ اذْكُرْ فِي الْكِتَابِ اِدْرِيسَ اِنَّهُ كَانَ صَدِيقًا نَبِيًّا (۵۶)

ادریس چون زیاد دراست می کرد و خیاطی را یاد مردم می داد.

۵۸ و ۵۹ و ۶۰ غرض سوره است.

کسانی که نعمت داده شدند. و کسانی که غی داشتند و کسانی که ایمان و عمل صالح داشتند دقیقاً سوره ی حمد.

اُولَئِكَ الَّذِينَ اَنْعَمَ اللّٰهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ مِنْ ذُرِّيَةِ اٰدَمَ وَ مِمَّنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ وَ مِنْ ذُرِّيَةِ اِبْرٰهِيْمَ وَ اِسْرٰئِيْلَ وَ مِمَّنْ هَدَيْنَا وَ اجْتَبَيْنَا اِذَا تَتَلٰوْا عَلَيْهِمْ اٰيٰتُ الرَّحْمٰنِ خَرُّوا سُجَّدًا وَ بَكِيًّا (۵۸)

ممن هدینا و اجتیبنا ائمه هستند....

فَخَلَفَ مِنْۢ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ اَضَاعُوا الصَّلٰةَ وَ اتَّبَعُوا الشَّهْوٰتِ فَسَوْفَ يَلْقَوْنَ غِيًّا (۵۹)

روایت از امام صادق است که اضاعوا الصلوات یعنی کسانی که نماز را اول وقت نمی خوانند. و اتبعوا الشهوات یعنی ساختمان های عرض و طویل می سازند و بر مرکب های مورد تماشای مردم سوار می شوند و لباس انگشت نما می پوشند.

تِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي نُورِثُ مِنْۢ عِبَادِنَا مَنْ كَانَ تَقِيًّا (۶۳)

میراث حقیقی بهشت است و به کسانی که تقوا دارند می رسد

وَ مَا نَنْزَلُ اِلَّا بِاَمْرِ رَبِّكَ لَهُ مَا بَيْنَ اَيْدِيْنَا وَ مَا خَلْفَنَا وَ مَا بَيْنَ ذٰلِكَ وَ مَا كَانَ رَبُّكَ نَسِيًّا (۶۴) رَبُّ السَّمٰوٰتِ وَ الْاَرْضِ وَ مَا بَيْنَهُمَا فَاَعْبُدْهُ وَ اصْطَبِرْ لِعِبَادَتِهٖ هَلْ تَعْلَمُ لَهُ سَمِيًّا (۶۵)

این دو آیه جملات معترضه ی این سوره هستند.

سخن ملائکه است که ما بین ایدینا به معنای اعمال ملائکه و آثار متفرع بر وجود ایشان است و ما خلفنا به معنای اسباب وجود ملائکه است و ما بین ذالک به معنای خود وجود ملائکه است.

همه ی اعمال دنیا توسط ۴ ملک مقرب انجام می شوند: (۱) حضرت اسرافیل که وظیفه ی حیات بخشی را دارد، (۲) حضرت عزرائیل مسئول قبض کردن است. (۳) علم دنیا به دست حضرت جبرائیل است. (۴) میکائیل نیز رزق عالم به دستش است.

روایت است که هر دانه ی باران که به زمین می رسد توسط مَلْکِی به زمین می رسد.

وَيَقُولُ الْإِنْسَانُ أَ إِذَا مَا مِتْ لَسَوْفَ أُخْرَجُ حَيًّا (٦٦)

روایت است که آدم ها چگونه وقتی به جوانی میرسند به دنبال رزق و روزی اند در حالی که کودک بودند و خداوند رزقشان را با پدر و مادر تامین می کرد و حتی روزی در شکم مادرشان بودند که مادرشان هم نمی دانست و خدا رزقشان را می داد....

فَوَرَبِّكَ لَنَحْشُرَنَّهُمْ وَالشَّيَاطِينَ ثُمَّ لَنُحْضِرَنَّهُمْ حَوْلَ جَهَنَّمَ جِثِيًّا (٦٨)

جثیا یعنی کسی که به زانو درآمده که نه می تواند بنشیند و نه بایستد.

نکته: ودّ که در این سوره آن را ذکر کرده اند نوعی از محبت است و اگر کسی ودّش فعال شود و محبتش هم فعال شود می تواند کاری را انجام دهد که پیامبر و امام انجام می دهند و تصمیمی را بگیرد که امام اگر بود انجام میداد.

ودّ بین افراد اگر زیاد شود شکل هم می شوند و دیگری می تواند در فراغ دوستش کارش را انجام دهد

ما هم می توانیم شروع کنیم و با انجام کارهای محبوب پیامبر و امامان شبیه آن ها شویم.

وَإِنْ مِنْكُمْ إِلَّا وَاوَدُّهَا كَانَ عَلَى رَبِّكَ حَتْمًا مَقْضِيًّا (٧١)

ورود به معنای دخول نیست. بلکه ورود مثل دنبال آب رفتن است که آن را مشاهده می کند ولی داخلش نمی شود. مومنان هم به جهنم ورود می یابند ولی داخل نمی شوند.

نکته: راه حل درمان جثیا در سوره ی جاثیه فعال شدن عقل بود و در سوره ی مبارکه ی مریم فعال شدن ودّ و محبت است.

وَيَزِيدُ اللَّهُ الَّذِينَ اهْتَدَوْا هُدًى وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ مَرَدًّا (٧٤)

مال و اولاد می توانند باقیات صالحات باشند و پتانسیل آن را دارند ولی باقیات صالحات صرفا مال و اولاد نیستند.

أَطَّلَعَ الْغَيْبَ أَمْ آتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا (٧٨)

مراد از گرفتن عهد شامل: توحید، نبوت، ولایت علی ، محافظت برنمازهای ۵ گانه و ادخال سرور در قلوب مومنین می شود.

وَنَرِيثُهَا مَا يَقُولُ وَ يَا تِينَا قَرْدًا (٨٠)

همه ی انسان ها " فرد " محشور می شوند و مال و اولاد به دنبال کسی محشور نمی گردد.

يَوْمَ نَحْشُرُ الْمُتَّقِينَ إِلَى الرَّحْمَنِ وَفْدًا (٨٥)

بهشت جمعی نصیب متقین می گردد.

لَا يَمْلِكُونَ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنْ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا (۸۷)

انسان های گمراه مال و اولاد را شفیع خود می دانند که شفیعیانی واهی هستند.

روایت از امام صادق است که به شفاعت ما نمی رسد کسی که نماز را سبک بشمارد که نشان از عهدی است که در رابطه با نمازهای ۵ گانه اخذ شده است.

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا (۹۶)

وَدّ سبب می شود که رحمانیت خدا به رحیمیت تبدیل گردد و انسان همراه صاحبان نعمت و متقین به صورت جمعی وارد بهشت گردد. و تبدیل رحمان به رحیم که در سوره ی حمد نیز مورد بحث است در اینجا به صورت اولئک الذین انعم الله علیهم..... آیه ی ۵۸ است.

در این سوره به طور اجمالی به نظر ما چنین بحث می گردد که سلسله روابط علی و معلولی ما به خدا متفاوت است و فقط باید اطمینان داشته باشیم که کارهایی را به خاطر وَدّ به پیامبر تقلید کنیم تا به سیستم پیامبر نزدیک شویم.